



چرا ایران تسلیم شدنی نیست؟



سرمقاله

حکمرانی ایران ارائه دهند و چنین القا کنند که بخشی از حاکمیت آماده عقب نشینی کامل و بخشی دیگر مخالف آن است. چه آنکه در روزهای اخیر نیز شاهد این پروژه بوده ایم. اما به رغم این تلاش‌ها، یک اتفاق نظر کلان درباره اصل مقاومت و عدم تسلیم وجود دارد. در کنار این مسائل، ایران همچنان کارت‌های راهبردی مهمی در اختیار دارد که می‌تواند در هر جنگ احتمالی در آینده، هزینه‌های سنگینی به دشمن تحمیل کند. یکی از مهم‌ترین این کارت‌ها، تنگه هرمز است. گذرگاهی راهبردی که بدون شک یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان محسوب می‌شود و ایران در بیش از ۷۰ روز گذشته، کنترل و اقتدار خود بر این تنگه را اثبات کرده است. و در نهایت، یکی از مهم‌ترین دلایل تسلیم نشدن ایران، نگاه مردم به تجربه سایر کشورهاست. افکار عمومی ایران طی سال‌های اخیر با دقت تحولات منطقه را دنبال کرده و نمونه‌های متعددی از کشورهای پدید آمده که در برابر فشار آمریکا یا تجاوزات رژیم صهیونی عقب‌نشینی کردند اما نه تنها به ثبات و امنیت نرسیدند بلکه وارد چرخه‌ای از فروپاشی و ناصبی شدند. شرایط فعلی سوریه یکی از مهم‌ترین این نمونه‌هاست. ■

ممکن است تحت فشار شدید خارجی دچار فروپاشی شوند، ایران طی سال‌های تحریم و به رهبری قائد شهید امت یاد گرفته چگونه ساختارهای خود را در وضعیت فشار حفظ کند. در واقع، جمهوری اسلامی ایران، توان تطبیق با شرایط سخت را پیدا کرده است. در جریان جنگ نیز همین مسئله خود را نشان داد. کشور وارد وضعیت بحرانی شد اما ساختار اداری، امنیتی، خدماتی و سیاسی از کار نیفتاد. دلیل مهم دیگر تسلیم‌ناپذیری ایران، درک عمیق مردم و حاکمیت از این واقعیت است که تسلیم شدن، مشخصاً آغاز یک دومینوی خطرناک خواهد بود. دومینویی که می‌تواند حتی تا مرحله نابودی و تجزیه سرزمینی ایران پیش برود. اکنون در ذهن جامعه ایران، مسئله صرفاً یک اختلاف سیاسی با آمریکا یا رژیم اسرائیل نیست، بلکه موضوع به بقای کشور گره خورده است. اینکه اگر ایران در برابر فشارهای دشمن عقب‌نشینی کند، زیاده‌خواهی‌های آمریکا متوقف نخواهد شد، بلکه مرحله به مرحله گسترده‌تر می‌شود. عامل دیگر، یکپارچگی در رأس حاکمیت درباره ضرورت مقاومت است. طی سال‌های گذشته، رسانه‌های غربی و صهیونیستی بارها تلاش کرده‌اند تصویری از شکاف عمیق در ساختار

فارغ از اختلاف‌نظرها، حول مفهوم «ایران» و ضرورت دفاع از کشور به نوعی همگرایی رسید و همین مسئله باعث شد پروژه ایجاد شکاف داخلی در میانه جنگ، به نتیجه مطلوب دشمن نرسد. دلیل دوم، نیروهای مسلح آماده و فداکاری هستند که نشان دادند حتی در شرایط برتری تکنولوژیک دشمن نیز توان ایستادگی دارند. آمریکا و اسرائیل بدون تردید از نظر تجهیزات، فناوری و امکانات نظامی در سطحی بالاتر قرار دارند اما جنگ اخیر بار دیگر نشان داد که برتری تکنولوژیک، لزوماً به معنای توان تحمیل اراده نیست. آنچه در میدان تعیین کننده می‌شود، علاوه بر فناوری، اراده، آمادگی و روحیه مقاومت است. مهم‌تر از آن، فضای حاکم بر نیروهای نظامی کشورمان نشان می‌دهد که مدافعان ایران جنگ احتمالی بعدی را یک احتمال واقعی می‌دانند و خود را برای آن آماده نگه داشته‌اند. عامل مهم دیگر، انعطاف و قابلیت سیستم حکمرانی ایران در شرایط بحرانی است. جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و تحریمی قرار داشته و همین مسئله، به تدریج نوعی تجربه زیست در شرایط بحران را در ساختار مدیریتی کشور ایجاد کرده است. برخلاف بسیاری از کشورها که

در جنگ ۴۰ روزه و همه این روزهایی که از توقف تبادل آتش می‌گذرد، یک پرسش کلیدی بار دیگر مقابل افکار عمومی دنیا قرار گرفت: چرا ایران تسلیم نمی‌شود؟ چرا با وجود فشارهای بی‌سابقه نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و روانی، همچنان منطق مقاومت در جامعه ایران دست بالا را دارد و نشانه‌ای از فروپاشی یا عقب‌نشینی دیده نمی‌شود؟ آنچه در روزهای جنگ و هفته‌های پس از آتش‌بس آشکار شد، این بود که «تسلیم‌ناپذیری ایران» فقط یک شعار نیست، بلکه ریشه در مجموعه‌ای از درک‌های تاریخی، اجتماعی، امنیتی و حتی تمدنی دارد. ادراکی که هم در سطح مردم و هم در سطح ساختار حکمرانی وجود دارد و باعث شده پروژه وادار کردن ایران به تسلیم، بارها با شکست مواجه شود. نخستین و شاید مهم‌ترین دلیل این مسئله، حضور مردم در صحنه و اتحاد ملی در دفاع از کشور است. در جریان جنگ ۴۰ روزه، این تصور در اتاق‌های فکر آمریکایی و صهیونی وجود داشت که حملات نظامی می‌تواند شکاف‌های اجتماعی و سیاسی داخل ایران را فعال کند و جامعه را به سمت آشوب، فروپاشی یا حداقل بی‌تفاوتی سوق دهد. اما آنچه در عمل رخ داد، عملاً متفاوت بود. از همان اولین ساعات آغاز جنگ، جامعه ایران،

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی	پیمان‌ها، تا جان خود نثار خدا کردی، هم تن فدای جان تو، هم جان‌ها. در اوج روزهای غبار آلود، می‌دیده‌ای مسیر مسلمان‌ها، بهتان زدند و هیچ نرنجیدی، تنها علی گذشت ز بهتان‌ها. دادی حسین وار به جانان، جان؛ ای افتخار جمله انسان‌ها.	بودی همیشه فاتح میدان‌ها، یک مرد در میانه طوفان‌ها. الحق یلی مثال علی بودی، آتش زدی به خرمن شیطان‌ها. خاتم به دست توست، نه اهریمن، پاپوسی تخت توست سلیمان‌ها. این‌گونه مردوار و دلیرانه، در پای عهد ماندی و	
--	---	---	--

بهای سنگین ماجراجویی ترامپ

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی نوشته است: «جنگ ترامپ علیه ایران صدها میلیارد دلار خسارت به اقتصاد آمریکا وارد آورده است. حجم این هزینه‌های مالی به قدری زیاد است که نمی‌توان آن‌ها را تا ابد پنهان کرد... قیمت بنزین در آمریکا نزدیک به ۶ دلار شده و ممکن است رکورد بزند. آمریکایی‌ها ۳۵ میلیارد دلار بیشتر برای خرید بنزین و سوخت، از ابتدای جنگ علیه ایران، پرداخت کرده‌اند.» حمله نظامی علیه ایران، برای واشنگتن فقط یک بحران خارجی نبوده؛ این جنگ مستقیماً وارد زندگی روزمره آمریکایی‌ها شده است؛ از جهش قیمت سوخت و افزایش هزینه حمل و نقل گرفته تا موج تازه تورم. طبقه متوسط آمریکا، نخستین قربانی تصمیمی شده که در اتاق‌های سیاست گرفته شد، اما هزینه‌اش را مردم پرداخت می‌کنند. بازار انرژی به شدت آسیب دیده و سخت‌تر شدن انتقال نفت از مسیرهای راهبردی، اقتصاد آمریکا را در برابر شوک‌های پی‌درپی قرار داده است. همزمان، میلیاردها دلار هزینه نظامی تازه به بدهی‌های سنگین دولت آمریکا افزوده شده است؛ آن هم در شرایطی که آمریکایی‌ها با بحران مسکن، گرانی و کاهش قدرت خرید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. جنگی که قرار بود، طبق ادعای ترامپ، نمایش قدرت باشد، حالا به نماد فرسایش اقتصادی و بی‌ثباتی داخلی آمریکا تبدیل شده است.

آبیدر، صحنه تجدید عهد مردم کردستان بارهبر شهید انقلاب

پیاده روی خانوادگی مردم سنندج در کوهستان آبیدر در ایام سالگرد حضور رهبر شهید انقلاب و کوهپیمایی ایشان در این منطقه در جریان سفر استانی سال ۱۳۸۸ به کردستان.

واشنگتن زیر آوار هزینه‌های جنگ

معترضان ضدجنگ جلسه هگست در کنگره را مختل کردند. جلسه استماع سنای آمریکا درباره بودجه نظامی مرتبط با جنگ علیه ایران با فریاد معترضان ضدجنگ همراه شد. فعالان آمریکایی با مختل کردن نشست کنگره، مخالفت خود را با ادامه ماجراجویی نظامی واشنگتن علیه ایران اعلام کردند و خواستار توقف تزیق بودجه به جنگی شدند که هر روز هزینه‌های سنگین تری بر آمریکا تحمیل می‌کند. همزمان، ادعای مقام‌های پنتاگون به ابعاد خسارات، تصویر تازه‌ای از این شکست‌پرهزینه ارائه داده است. «جولز هرست» از مقام‌های ارشد نظامی آمریکا تأیید کرده که ارتش این کشور در جریان جنگ با ایران، ۳۹ هواپیما از دست داده؛ بخشی از این تجهیزات نیز غیرقابل جایگزین توصیف شده‌اند. گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی نیز نشان می‌دهد آمریکا بخش بزرگی از ذخایر مهمات پیشرفته خود را مصرف کرده و بازسازی آن سال‌ها زمان خواهد برد. در همین حال، رسانه‌های غربی از تبعات اقتصادی این جنگ سخن می‌گویند؛ از افزایش قیمت انرژی و تورم گرفته تا تشدید بدهی ۳۱ تریلیون دلاری آمریکا. اکنون حتی نشیات آمریکایی نیز اعتراف می‌کنند قمار واشنگتن علیه ایران، بیش از آنکه تهران را تضعیف کند، اقتصاد و امنیت ملی آمریکا را فرسوده کرده است.